

پویایی جمعیت منطقه و تأثیر آن بر امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران

حسین قریبی^۱

چکیده: یکی از مسائل مهمی که در تحلیل امنیت پایدار کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد، پویایی جمعیت در حوزه کشورهای پیرامونی و تأثیرات آن بر کشور موردنظر می‌باشد. جدای از موضوع مهاجرت، مسائلی از جمله بهداشت و بیماری‌های مسری، جرایم فرامرزی، قاچاق کالا و ارز، قاچاق مواد مخدر، جابه‌جایی‌های ناگهانی جمعیت در هنگام بروز وقایع غیرمترقبه طبیعی، بحران‌های سیاسی و اجتماعی داخلی، جنگ‌ها و سایر موضوعات مربوطه که فهرست طولانی را تشکیل خواهند داد، از جمله مسائلی هستند که تأثیرات آن در داخل مرزهای کشور دیده خواهد شد. این امر به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که مرزهای سیاسی به هر اندازه که مطمئن و حفاظت شده باشند، قادر نخواهند بود کشورها را نسبت به تأثیرات جمعیتی کشورهای همجوار مصون نگه دارند. این نوشتار بر آن است تا وضعیت جمعیت منطقه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر و تحولات آن طی سال‌های آینده تا سال ۲۰۵۰ را مورد بررسی قرار داده و تهدیدها و بطور کلی تأثیراتی را که بر امنیت در مفهوم گسترده آن خواهند داشت احصاء نماید. پویایی جمعیت کشورهای همسایه و منطقه از موضوعاتی است که توجه جدی صاحب‌نظران و صاحب‌منصبان را می‌طلبد. به‌ویژه آن که بالاترین میزان پویایی جمعیت در ورای مرزهای شرقی ایران در حال وقوع است. لذا لازم است با درک اهمیت موضوع و حصول اجماع ملی، در حوزه تعامل با این کشورها الگوی معجزه‌آمیز ایرانی در ارتقای سطح کیفی جمعیت کشور به کشورهای هدف در منطقه صادر گردد.

واژگان کلیدی: جمعیت، امنیت، جمهوری اسلامی ایران، امنیت پایدار.

۱. آقای حسین قریبی، کارشناس ارشد وزارت امور خارجه، عضو سابق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد در نیویورک (۲۰۰۹-۲۰۰۵) gharibi14@yahoo.com

مقدمه

از میان جنبه‌های مختلف جمعیت در مباحث بین‌المللی، مهاجرت از پدیده‌هایی است که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. مطالعات جامعی که در مورد مهاجرت طی سال‌های اخیر انجام شده تأکیدی است بر این نکته که موضوع مهاجرت باید به صورت جامع و در ارتباط با سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته و از صدور حکم کلی در مورد مسائل مختلف آن احتراز شود. مهم‌تر این که مهاجرت در یک چارچوب کلی که از جمله به جنبه‌های مختلف جمعیت کشورهای مبدأ مهاجرت می‌پردازد، بررسی و تحلیل شود.

در چارچوب مطلب حاضر، ابتدا تلاش خواهد شد تا از آنچه که در محیط پیرامونی ایران در ارتباط با پویایی جمعیتی رخ می‌دهد، تصویری نسبتاً جامع ارائه شود.^۱ در ادامه تأثیرات منفی و تهدیدات بالقوه آن بر امنیت پایدار کشور بررسی شده و در نهایت به برخی ظرفیت‌هایی که می‌تواند مورد استفاده قرار گرفته و تا اندازه‌ای تأثیرات منفی غیرقابل اجتناب پویایی جمعیت در محیط پیرامونی ایران را کمتر نماید، مورد توجه قرار خواهد گرفت. برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در یک راهبرد میان و بلندمدت، یکی از مؤلفه‌های امنیت پایدار به‌ویژه در مناطق مرزی از جمله منطقه خراسان خواهد بود.

همچنین با توجه به این که یکی از موضوعات مورد بحث و تبادل نظر نهادهای ذی‌ربط و کارشناسان مربوطه پاسخ به این سؤال بوده که موضع کشورمان در ارتباط با مباحث مربوط به مهاجرت در سطح نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی چگونه جهت‌گیری داشته باشد؟ آیا همراه مواضع کشورهای مهاجرپذیر یا مهاجرفرست یا ترکیبی از هر دو باشد. در پایان این نوشتار، نتایج حاصل می‌شود که بتواند به تدوین موضع جامع ملی در این خصوص کمک کند.

۱. بسیاری از آمارهای مورد استفاده در این متن از گزارش چشم‌انداز جمعیت جهان

World Population Prospects, The 2008 Revision, New York, United Nations

اخذ شده که از سال ۱۹۵۱ به صورت مستمر توسط اداره جمعیت سازمان ملل متحد منتشر می‌شود. این گزارش به جهت دقت آماری و هم اضافه‌کردن جنبه‌های جدیدی از کیفیت جمعیت به آن، به تدریج و در طول سال‌های متعددی از غنای بیشتری برخوردار شده است. گزارش سال ۲۰۰۸ حاوی آخرین اطلاعات کلی مربوط به مسائل جاری جمعیتی و تخمین داده‌های آماری تا سال ۲۰۵۰ می‌باشد. این آمارها براساس سرشماری‌های ملی کشورها و تطابق آن با سایر منابع آماری بین‌المللی و منطقه‌ای استخراج می‌شود که معمولاً نتایج آن مورد توافق کشورها هم می‌باشد.

آخرین وضعیت جمعیت جهان

جمعیت جهان در سال ۱۹۵۰ در حدود ۲/۵ میلیارد نفر بوده که این میزان در حال حاضر اندکی کمتر از ۷ میلیارد نفر است. برآورد جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ حدود ۹ میلیارد نفر است. طی چهار سال اخیر، همه ساله ۷۸ میلیون نفر به جمعیت دنیا اضافه شده است. لازم به ذکر است که تخمین‌ها برای سال‌های آتی می‌تواند تحت تأثیر شرایط مختلف از جمله کاهش شدید یا افزایش نرخ رشد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. ترکیب این جمعیت از جهت این که در کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌یافته زندگی می‌کنند، به ترتیب ذیل خواهد بود:

اگر قائل به تقسیم‌بندی کشورها از منظر میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها باشیم، در ادبیات توسعه، عمده کشورها در سه گروه کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته جای می‌گیرند^۱. برآوردها حاکی از آن است که جمعیت کشورهای در حال توسعه از ۵/۶ میلیارد در سال ۲۰۰۸ به ۷/۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید که معادل ۲/۳ میلیارد نفر رشد را نشان می‌دهد. در همین مدت جمعیت کشورهای توسعه‌یافته از ۱/۲۳ میلیارد به ۱/۱۵ میلیارد نفر خواهد رسید یعنی کاهش معادل ۸۰

۱. به جز گروه کشورهای کمتر توسعه یافته که ۴۸ کشور فقیر را در خود جای داده و دارای اداره ذی‌ربط در دبیرخانه سازمان ملل می‌باشد، تمایز مشخص و مورد توافق عام در مورد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار ندارد. لیکن براساس تقسیم‌بندی بخش آمار دبیرخانه سازمان ملل، کشورهای ژاپن، کانادا، آمریکا، استرالیا، نیوزیلند و کشورهای قاره اروپا در زمره توسعه‌یافته‌ها قرار می‌گیرند. استثناء در این مورد کشورهای حوزه یوگسلاوی سابق به جز اسلونی و کشورهای حوزه مشترک‌المنافع هستند که در زمره اقتصادهای در حال گذار قرار می‌گیرند. برای دریافت اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

“Composition of macro geographical (continental) regions, geographical subregions, and selected economic and other groupings”, United Nations Statistics Division, revised 16 December 2010.

ضمناً بانک جهانی کشورها را برحسب درآمد به چهار گروه ذیل تقسیم می‌نماید:

گروه کشورهای با درآمد بالا و سرانه ۱۲/۱۹۶ دلار و بالاتر،

گروه کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا و سرانه بین ۳/۹۴۶ تا ۱۲/۱۹۵ دلار،

گروه کشورهای با درآمد متوسط رو به پائین و سرانه بین ۹۹۶ تا ۳/۹۴۵ دلار،

گروه کشورهای با درآمد پائین و سرانه ۹۹۵ دلار و پائین‌تر،

رجوع شود به:

“How we classify countries”, World Bank, <http://data.worldbank.org/about/country-classifications>.

میلیون نفر. در مقابل با توجه به این که طی این مدت سالانه ۲/۴ میلیون نفر به کشورهای توسعه یافته مهاجرت می کنند، بخشی از این نقیصه جبران خواهد شد. طی دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ بزرگ ترین کشور مهاجرپذیر ایالات متحده آمریکا است که متوسط سالانه ۱/۱ میلیون نفر به آن کشور مهاجرت خواهند نمود. متوسط آمار سالانه پذیرش مهاجرین در بقیه کشورها به ترتیب عبارتند از: کانادا ۲۱۴ هزار نفر، انگلیس ۱۷۴ هزار، اسپانیا ۱۷۰ هزار، ایتالیا ۱۵۹ هزار، آلمان ۱۱۰ هزار، استرالیا و فرانسه هر کدام ۱۰۰ هزار نفر. با این وجود بیشترین میزان مهاجرتها از مبدا کشورهای در حال توسعه به مقصد کشورهای در حال توسعه انجام می شود که در جای خود به آن پرداخته می شود (Human Development Report, 2009: 22)

به طور کلی کشورهای کمتر توسعه یافته جمعیتی به شدت جوان دارند، درصد جوانی در کشورهای با درآمد متوسط کمتر می باشد و این میزان برای کشورهای توسعه یافته خیلی پائین است. جوانی و پیری جمعیت از جمله متغیرهایی هستند که در کنار سایر متغیرها در تعیین میزان توسعه یافتگی کشورها به کار می روند. روند عمومی حرکت جمعیت جهان به سوی پیرتر شدن سوق دارد و آمار افراد گروه های سنی بالاتر از شصت سال و هشتاد سال در تمام کشورها سیری صعودی می پیماید، هر چند میزان آن در گروه های مختلف کشورها متفاوت است.

پویایی جمعیت در ایران و برخی کشورهای منطقه

در این بخش وضعیت کیفی جمعیت کشورمان در مقایسه با برخی کشورهای منطقه بررسی می شود. از میان کشورهای همسایه تنها به کشورهای افغانستان، پاکستان، ترکیه و عراق و نیز هند خواهیم پرداخت. این انتخاب به دلیل میزان پویایی جمعیت در این کشورها و تأثیرات آن طی سال های آتی می باشد. سه کشور حوزه قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) مجموعاً با ۱۶ میلیون نفر جمعیت و عدم نرخ رشد بالا (دو کشور ارمنستان و گرجستان با نرخ رشد منفی مواجه هستند)، عملاً پویایی و تغییرات قابل ملاحظه ای ندارند. همین وضعیت در مورد ترکمنستان ۵ میلیون نفری صادق است. در حوزه خلیج فارس هم گرچه سه کشور امارات، کویت و قطر از نرخ رشد جمعیت نسبتاً بالایی برخوردارند، لیکن هنوز تا سال ۲۰۵۰ جمعیت آنها شایان توجه نخواهد بود. برآورد جمعیت این سه کشور در سال ۲۰۵۰ به ترتیب ۸ میلیون و ۲۵۳ هزار نفر، ۵ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر و ۲ میلیون و ۳۱۶ هزار نفر خواهد بود.

طبق برآورد سازمان ملل و منطبق با داده‌های مرکز آمار کشور، جمعیت ایران در سال جاری حدود ۷۵ میلیون نفر است که این رقم در سال ۲۰۵۰ به حدود ۹۷ میلیون خواهد رسید. ظرف پنج سال گذشته به صورت متوسط هر سال ۸۶۳ هزار نفر به جمعیت ایران افزوده شده است. ایران در حال حاضر هیجدهمین کشور پرجمعیت جهان است. با وجود نرخ نسبتاً متعادل رشد جمعیت در ایران، رتبه ایران از نظر میزان نفوس در سال ۲۰۵۰ هم تغییر چندانی نکرده و در این سال نوزدهمین کشور پرجمعیت دنیا خواهد بود. آمار نفوس کشورهای منطقه در سه مقطع زمانی در جدول (الف) نشان داده شده است:

جدول الف: جمعیت کشورهای منطقه (هزار نفر بر اساس تخمین واریانت متوسط)

تعداد جمعیت سال ۲۰۱۰	تخمین تعداد جمعیت سال ۲۰۵۰	درصد تغییر نسبت به سال ۲۰۱۰	تعداد جمعیت سال ۲۰۲۵	درصد تغییر نسبت به سال ۲۰۱۰	کشور
۷۵۰۷۸	۹۶۹۷۵	٪۱۶/۰۶	۸۷۱۳۴	٪۲۹/۱۷	ایران
۲۹۱۱۷	۷۳۹۳۸	٪۵۴/۴۵	۴۴۹۷۰	٪۱۵۴	افغانستان
۱۸۴۷۵۳	۳۳۵۱۹۵	٪۳۳/۳۰	۲۴۶۲۸۶	٪۸۱/۴۲	پاکستان
۱۲۱۴۴۶۴	۱۶۱۳۸۰۰	٪۱۶/۳۷	۱۴۱۳۲۷۲	٪۳۲/۸۸	هند
۳۱۴۶۷	۶۳۹۹۵	٪۴۲/۰۲	۴۴۶۹۲	٪۱۰۳/۳۷	عراق
۷۵۷۰۵	۹۷۳۸۹	٪۱۵/۴	۸۷۳۶۴	٪۲۸/۶۴	ترکیه

Source: World Population Prospects: The 2008 Revision, Volume I: Comprehensive Tables, New York, United Nations.

جدول فوق به وضوح گویای تغییرات غیرهمگونی است که در میزان جمعیت کشورهای منطقه تا نیمه قرن بیست و یکم ایجاد خواهد شد. بیشترین میزان تغییرات به ترتیب در افغانستان، عراق، پاکستان و هند خواهد بود. کمترین میزان رشد نسبت به جمعیت فعلی متعلق به ایران و ترکیه خواهد بود. تشابهات آماری ایران و ترکیه از جهت تعداد نفوس و بقیه شاخص‌های کمی و کیفی جمعیتی تقریباً در تمام زمینه‌های مورد بررسی صدق می‌کند. در این دوره جمعیت هند از حدود ۱/۲ میلیارد به بیش از ۱/۶ میلیارد نفر خواهد رسید و عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان را بالاتر از چین به خود اختصاص خواهد داد. در حال حاضر سالی ۱۷ میلیون نفر به جمعیت هند افزوده می‌شود.

جوانی سن جمعیت کشورهای منطقه و توزیع گروه‌های سنی در حال حاضر و سال‌های آتی طبق آخرین داده‌های آماری و تخمین‌ها در جدول «ب» نشان داده شده است:

جدول ب: توزیع سنی جمعیت در کشورهای منطقه (هزار نفر براساس تخمین واریانت متوسط)

ترکیب سنی جمعیت (سال ۲۰۵۰)		ترکیب سنی جمعیت (سال ۲۰۱۰)			
۱۵-۶۴	۰-۱۴	+۶۵	۱۵-۶۴	۰-۱۴	گروه سنی
۶۱۳۳۵	۱۶۵۸۱	۳۶۱۷	۵۳۵۶۹	۱۷۸۹۲	ایران
%۶۳/۲۵	%۱۷/۱	%۴/۸۱	%۷۱/۳۵	%۲۳/۸۳	درصد از کل جمعیت
۴۶۸۸۴	۲۴۳۸۶	۶۵۳	۱۵۱۰۴	۱۳۳۶۰	افغانستان
%۶۳/۴	%۳۳	%۲/۲۴	%۵۱/۸۷	%۴۵/۸۸	درصد از کل جمعیت
۲۲۴۰۵۲	۷۷۶۳۶	۷۵۴۸	۱۰۹۵۷۸	۶۷۶۲۷	پاکستان
%۶۶/۸۴	%۲۳/۱۶	%۴/۰۸	%۵۹/۳۱	%۳۶/۶۰	درصد از کل جمعیت
۱/۰۹۷/۹۶۹	۲۹۳/۹۸۷	۵۹۷۳۴	۷۸۰۵۷۱	۳۷۴۱۵۹	هند
%۶۸/۰۴	%۱۸/۲۱	%۴/۹۲	%۶۴/۲۷	%۳۰/۸	درصد از کل جمعیت
۴۲۹۵۶	۱۵۳۷۱	۱۰۱۵	۱۷۶۴۸	۱۲۸۰۳	عراق
%۶۷/۱۲	%۲۴/۰۱	%۳/۲۲	%۵۶/۰۸	%۴۰/۶۹	درصد از کل جمعیت
۶۲۳۵۸	۱۷۱۰۸	۴۵۱۷	۵۱۲۰۶	۱۹۹۸۲	ترکیه
%۶۴/۰۳	%۱۷/۵۷	%۵/۹۷	%۶۷/۶۴	%۲۶/۳۹	درصد از کل جمعیت

Source: World Population Prospects: The 2008 Revision, Volume I: Comprehensive Tables, New York, United Nations.

چنان که ملاحظه می‌گردد افغانستان و عراق هر کدام با داشتن بالاترین درصد گروه سنی بین صفر تا چهارده سال، جوان‌ترین کشورهای منطقه به‌شمار رفته و پس از آن‌ها پاکستان و هند قرار می‌گیرند. این ترتیب در سال ۲۰۵۰ البته با ارقامی پائین‌تر حفظ خواهد شد. در سال ۲۰۵۰ ایران با داشتن بالاترین تعداد افراد ۶۵ سال و مسن‌تر، در بین کشورهای منطقه، پیرترین کشور خواهد بود. البته شاخص دیگر برای درک کیفیت سن جمعیت و مقایسه آن با سایر کشورهای منطقه، متوسط سن جمعیت آنهاست که در جدول ذیل نمایش داده می‌شود:

جدول ج: متوسط سن جمعیت در کشورهای منطقه
(سال براساس واریانت متوسط)

۲۰۵۰	۲۰۰۹	۱۹۸۰	
۴۱/۹	۲۶/۳	۱۷/۵	ایران
۲۳/۵	۱۶/۸	۱۷/۴	افغانستان
۳۲/۷	۲۱	۱۸/۳	پاکستان
۳۸/۴	۲۴/۷	۲۰/۲	هند
۳۱/۳	۱۹/۲	۱۶/۶	عراق
۴۰/۷	۲۸	۱۹/۵	ترکیه

Source: World Population Prospects: The 2008 Revision, Highlights, New York, United Nations.

افغانستان با نرخ متوسط سن ۱۶/۸ جزء ۱۰ کشور جوان دنیاست. به غیر از افغانستان و تی‌مور شرقی، هشت کشور دیگر جوان‌تر دنیا، آفریقایی هستند. در سال ۲۰۵۰ افغانستان کماکان جوان‌ترین کشور منطقه و ایران پیرترین خواهد بود. متذکر می‌شود که در سال ۲۰۵۰، کشورهای ژاپن با متوسط سن ۵۵ سال، آلمان ۵۱/۷ و ایتالیا ۵۰/۵ سال پیرترین کشورهای جهان خواهند بود.

شاخص بعدی کیفیت جمعیت، نرخ باروری است. در سطح جهان بالاترین نرخ باروری متعلق به کشور آفریقایی نیجر با رقم ۷/۱۵ می‌باشد و پس از آن افغانستان با رقم ۶/۶۳ قرار دارد. گزارش سازمان ملل در این بخش به معجزه جمعیتی ایران اشاره می‌نماید. ایران در طول تاریخ معاصر بالاترین تغییر نرخ باروری را داشته است. متوسط نرخ باروری ایران بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۷۵ در حد ۶/۵ بوده که این نرخ در سال‌های

۲۰۱۰-۲۰۰۵ به ۱/۸۳ رسیده است. این تغییر، بزرگ‌ترین تجربه تغییر جمعیتی در جهان و به‌عنوان مدلی قابل مطالعه برای کشورها، سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق جمعیت ملل متحد و محافل دانشگاهی در آمده است. در جدول «د» این ارقام را با سایر کشورهای منطقه مقایسه می‌کنیم:

جدول د: نرخ باروری در کشورهای منطقه در سه مقطع زمانی مختلف
(تعداد بچه برای هر زن)

متوسط نرخ باروری ۱۹۷۵-۱۹۸۰	متوسط نرخ باروری ۲۰۰۵-۲۰۱۰	برآورد متوسط نرخ باروری ۲۰۴۵-۲۰۵۰	
۶/۵	۱/۸۳	۱/۸۵	ایران
۷/۷	۶/۶۳	۳/۱۳	افغانستان
۶/۸	۴	۲/۱۶	پاکستان
۴/۸۹	۲/۷۶	۱/۸۵	هند
۶/۸	۴/۱۱	۲/۱۸	عراق
۴/۷۲	۲/۱۳	۱/۸۵	ترکیه

Source: World Population Prospects: The 2008 Revision, Highlights, New York, United Nations.

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که در حال حاضر نرخ باروری در کشورمان پائین‌تر از سایر کشورهای منطقه حتی ترکیه است. این نرخ تا سال ۲۰۵۰ با هند و ترکیه در یک سطح قرار خواهد گرفت. دو کشور افغانستان و پاکستان در شرق و عراق در غرب ایران، هم در حال حاضر بالاترین نرخ‌های باروری را تجربه می‌نمایند و هم در سال‌های منتهی به ۲۰۵۰ از نرخ‌های بالاتری نسبت به سایر کشورهای منطقه برخوردار خواهند بود.

شاخص دیگر از مجموع شاخص‌های کیفی جمعیت، متوسط سن امید به زندگی افراد است که برآیندی از شاخص‌های مختلف بهداشتی، درمانی، اقتصادی و غیره است که مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار می‌گیرد. در جدول ذیل نمایی از وضعیت منطقه ارائه شده است:

جدول ۵: متوسط سن امید به زندگی در دو مقطع زمانی حال و آینده (سال)

متوسط سن امید به زندگی از بدو زمان تولد			
۲۰۴۵-۲۰۵۰	۲۰۲۰-۲۰۲۵	۲۰۰۵-۲۰۱۰	
۷۸/۶	۷۴/۷	۷۱/۳	ایران
۵۸/۷	۴۹	۴۳/۸	افغانستان
۷۶	۷۰/۷	۶۶/۳	پاکستان
۷۳/۳	۶۸/۱	۶۳/۵	هند
۷۶/۶	۷۱/۶	۶۷/۴	عراق
۷۸/۵	۷۴/۶	۷۱/۸	ترکیه

Source: World Population Prospects: The 2008 Revision, Highlights, New York, United Nations.

شاخص متوسط سن امید به زندگی افغانستان و نیز رقم مربوط به پاکستان به صورت قابل ملاحظه‌ای با سایر کشورهای منطقه متفاوت هستند. نکته جالب توجه این که متوسط سن امید به زندگی در پاکستان در دوره زمانی ۲۰۴۵-۲۰۵۰ با وجود پائین بودن سایر شاخص‌های کیفی جمعیتی این کشور در این سال، قابل قبول می‌باشد. بالاترین نرخ سن امید به زندگی در جهان در حال حاضر مربوط به ژاپن با ۸۲/۷ سال، هنگ‌کنگ ۸۲/۲ سال و سوئیس ۸۱/۸ سال می‌باشد. این سه کشور رتبه‌های خود را در دوره زمانی ۲۰۴۵-۲۰۵۰ به ترتیب با ارقام ۸۷/۲ سال، ۸۶/۸ سال و ۸۶/۶ سال حفظ خواهند نمود. کشورهایی که در آن مقطع پائین‌ترین نرخ‌ها را دارند غیر از افغانستان همگی در حوزه جغرافیایی آفریقا قرار دارند.

یکی دیگر از شاخص‌های کیفی جمعیت که به عنوان یکی از اهداف توسعه‌ای هزاره از طرف سازمان ملل تعریف شده و از سوی کارگزاری‌های وابسته به سازمان به‌ویژه یونیسف، صندوق جمعیت و سازمان بهداشت جهانی دنبال می‌شود، نرخ مرگ‌ومیر کودکان است که کاهش یا افزایش آن تأثیر مستقیمی بر سایر شاخص‌های جمعیتی دارد. این نرخ براساس تعداد در هر هزار تولد نوزاد زنده محاسبه می‌گردد و برآیند وضعیت بهداشتی برای کودکان می‌باشد که خود یکی از شاخص‌های مهم توسعه است.

جدول «و» کشورهای منطقه در حال حاضر و پیش‌بینی آمار آتی این کشورها را نشان می‌دهد:

جدول و: نرخ مرگ و میر نوزادان در کشورهای منطقه در سه دوره زمانی (تعداد در هزار تولد)

بر آورد دوره زمانی ۲۰۴۵-۲۰۵۰	بر آورد دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۲۵	متوسط دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۰	
۹/۶	۱۷/۲	۲۹/۱	ایران
۷۶/۴	۱۲۶/۵	۱۵۷	افغانستان
۲۷/۳	۴۶/۸	۶۳/۹	پاکستان
۲۸/۱	۴۱/۶	۵۴/۶	هند
۱۱/۹	۲۴/۶	۳۳/۲	عراق
۹/۷	۱۷/۹	۲۷/۵	ترکیه

Source: World Population Prospects: The 2008 Revision, Highlights, New York, United Nations.

این نرخ در حال حاضر برای افغانستان بسیار بالا و در مورد پاکستان هم یکی از ارقام بالا در منطقه است که تقریباً بیشتر از دو برابر ایران می‌باشد. چشم‌انداز بهبود وضعیت برای افغانستان اگر چه نسبت به رقم فعلی بهتر است ولی کماکان یکی از بالاترین رقم‌ها در سال‌های آینده خواهد بود. این رقم حتی از بسیاری از کشورهای آفریقایی بیشتر خواهد بود. از طرف دیگر نرخ مرگ و میر کودکان در پاکستان و هند حدود سه برابر نرخ‌های ایران و ترکیه خواهد بود. هر چند در این دوره ایران در بهترین وضعیت قرار خواهد داشت ولی برای رسیدن به رقم زیر ۳ نفر که رقم متوسط کشورهای توسعه یافته است باید تلاش‌های زیادی انجام شود.

مهم‌ترین شاخصی که برای رتبه‌بندی توسعه‌ای کشورها به کار می‌رود، شاخص توسعه انسانی است که از سال ۱۹۹۰ توسط برنامه عمران ملل متحد تهیه و منتشر می‌گردد. این شاخص بر سه محور اصلی بهداشت، آموزش و میزان درآمد بنا شده است که طبق فرمول پیچیده‌ای نتایج مربوط به هر کشور محاسبه و به صورت سالانه منتشر می‌گردد. در جدول «ز» رتبه توسعه انسانی کشورهای منطقه و میزان سرانه درآمد ناخالص ملی آن‌ها به‌طور جداگانه ذکر شده است:

جدول ز: رتبه توسعه انسانی و سرانه تولید ناخالص داخلی

رتبه توسعه انسانی بین ۱۶۹ کشور (شاخص سال ۲۰۱۰)	رتبه توسعه انسانی بین ۱۷۸ کشور (شاخص سال ۲۰۰۷)	سرانه درآمد ناخالص ملی بر اساس ارقام سال ۲۰۰۸ (دلار)	
۷۰	۹۴	۱۱۷۶۴	ایران
۱۵۵	۱۷۴	۱۴۱۹	افغانستان
۱۲۵	۱۳۶	۲۶۷۸	پاکستان
۱۱۹	۱۳۴	۳۳۳۷	هند
			عراق
۸۳	۸۴	۱۳۳۵۹	ترکیه

Human Development Report 2010, the Real Wealth of Nations: Pathways to Human Development, New York, UNDP.

در این فهرست بالاترین رتبه متعلق به ایران و با اختلاف نسبتاً کمی ترکیه قرار گرفته است. این در حالی است که رتبه‌های سه کشور هند، پاکستان و افغانستان دارای اختلاف فاحشی با کشورمان می‌باشد. باتوجه به شرایطی که این کشورها با آن مواجه هستند به‌ویژه رشد بالای جمعیت و پایین بودن شاخص‌های کیفی جمعیتی، ارتقای بارز رتبه توسعه انسانی این کشورها طی چند دهه آتی چندان محتمل نمی‌باشد. از سوی دیگر یکی از شاخص‌های مهم سطح رفاه و توسعه، سرانه درآمد ملی است. ستون سمت چپ جدول «ز» میزان این رقم در سال ۲۰۰۸ را نشان می‌دهد. آمار ارائه‌شده خود گویای تفاوت‌های زیادی است که بین کشورهای منطقه وجود دارد. بنابراین از این نظر هم ایران پس از ترکیه در سطح بسیار بالاتری نسبت به افغانستان، پاکستان، هند و عراق قرار گرفته است.

بنابر آن چه که در این قسمت بدان پرداخته شد، آمارها حکایت از آن دارند که جمهوری اسلامی ایران از سطح استاندارد بسیار بالاتر زندگی نسبت به برخی کشورهای همسایه و منطقه برخوردار است که بالتبع می‌تواند ایران را برای مهاجرین و به‌طور کلی کسانی که به هر دلیل به دنبال یافتن موقعیت بهتری برای زندگی هستند، مقصد جذابی جلوه دهد. اگرچه وجود اختلافات مثبت به نفع کشورمان، موجب خرسندی و افتخار ماست ولی به‌رحال این امر چالش‌هایی را هم ایجاد می‌نماید که در ادامه به آن می‌پردازیم. ذکر این نکته لازم است که در هیچ جای این نوشتار قصد ایجاد نوعی بیگانه‌ترسی یا خارجی ستیزی در کار نیست بلکه همان‌طور که در طول این متن مکرراً گفته

شده هدف شناخت موقعیت کشورمان و کمک به ایجاد امنیت پایدار در ارتباط با کشورهای همسایه و منطقه می‌باشد.

تفاوت‌های موجود به عنوان منبع تهدید ثبات و امنیت پایدار کشور

به جز برخی مشابهت‌ها با ترکیه، تفاوت‌های جمعیتی ایران با چهار کشور افغانستان، پاکستان، عراق و هند کاملاً بارز و چشمگیر است و بالتبع زمینه‌های جدی را برای توجه اتباع این کشورها به جمهوری اسلامی ایران و بعضاً حرکت آن‌ها به سوی مرزهای کشورمان ایجاد می‌نماید. مهاجرت غیرقانونی تنها بخشی از این تبعات پویایی جاری جمعیت کشورهای یادشده خواهد بود. سایر جنبه‌ها از جمله شامل افزایش جرایم فرامرزی به‌ویژه در شکل سازمان‌یافته، رشد و توسعه گروه‌های افراطی و گروهک‌های سیاسی مروج رفتار خشونت‌آمیز، قاچاق کالا، ارز و انواع موادمخدر و روانگردان، شیوع بیماری‌های خطرناک و مسری و از همه خطرناک‌تر احتمال گسیل‌شدن توده‌های گرسنه، بیکار، آواره و جنگ‌زده به سمت مرزهای ایران خواهد بود. الگوی سرریز بخشی از ساکنین کشورهای همسایه و منطقه با شاخص‌های پائین رفاه و توسعه به سوی کشوری یا کشورهای همجوار که از موقعیت مناسب‌تری برخوردارند، الگویی اثبات‌شده در مطالعات مهاجرتی است.

طبق یافته‌های گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۰۹ که موضوع خود را به مهاجرت انسانی اختصاص داده است، بدلیل مشکلاتی که بر سر راه مهاجرت به کشورهای شاخص توسعه‌یافته وجود دارد از جمله هزینه‌های بالای آن، لزوم طی مسافت‌های طولانی و کنترل شدید مرزها و سایر مشکلات، تقریباً نیمی از مهاجران بین‌المللی ترجیح می‌دهند که در درون منطقه خود مهاجرت نموده و حدود ۴۰ درصد مهاجران هم به کشورهای همسایه مهاجرت می‌کنند. از طرف دیگر و طبق داده‌های آماری از هر ده نفر مهاجر، شش نفر به کشوری مهاجرت می‌کنند که مذهب مشابه کشور مادری را داشته باشد و چهار نفر از ده مهاجر هم به کشور هم‌زبان خود مهاجرت می‌کنند (Human Development Report 2009, Op. Cit., pages 22-23).

میل مهاجرین به مهاجرت به کشورهایی است که پیشرفته‌تر از سرزمین مادری است. بیش از دو سوم مهاجرین به کشورهایی می‌روند که شاخص‌های توسعه انسانی آن بالاتر باشد. لیکن این مقاصد الزاماً کشورهای توسعه‌یافته (اروپای غربی، آمریکای شمالی به اضافه چند کشور دیگر) نیستند. بلکه عمدتاً این مقاصد کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که از استانداردهای بالاتر زندگی و وضعیت اشتغال بهتر

برخوردار باشند. برای مثال بیش از ۲۰ درصد کل مهاجرت بین‌المللی در سطح جهان بین کشورهای منطقه آسیا انجام می‌شود و این تعداد بیشتر از کل تعداد مهاجرینی است که همه ساله جذب کشورهای اروپایی می‌شوند (Ibid). اینها همه حاصل انجام یک پروژه بزرگ مطالعاتی در مناطق مختلف جهان است که نتایج آن برای منطقه ما هم قابل تعمیم است. این الگوها تبعاً موجد توجه جدی کشورها به وضعیت جمعیت کشورهای همجوار است.

نگرانی از وضعیت جمعیت کشورهای همسایه موضوع جدیدی در روابط بین‌الملل نیست. دیدگاه‌های روسیه در ارتباط با جمعیت چین در منطقه آسیای دور و نیز آمریکا در ارتباط با جمعیت مکزیک دو نمونه بارز از تلقی وضعیت جمعیت کشور یا کشورهای همجوار به عنوان تهدید امنیت ملی هستند. نگرانی از رشد فزاینده جمعیت چین و امکان سرازیر شدن بخشی از این جمعیت به بخش آسیایی روسیه سابقه طولانی در روابط روسیه و چین دارد.^۱ همین موضوع در خصوص روابط آمریکا و همسایه جنوبی خود مکزیک صادق است. پائین‌ترین میزان توسعه انسانی در جنوب آمریکا با رقم ۰/۷۶۶، متعلق به منطقه «استار» در تگزاس است. در حالی که در ورای مرز مشترک با مکزیک و در بخش شمالی این کشور، بالاترین میزان توسعه انسانی در منطقه موسوم به «مکزیکالی» با رقم ۰/۷۵۷ هنوز در رده‌ای پائین‌تر از «استار» قرار می‌گیرد (Human Development Report 2009, Op. Cit., Pages 9-10) این اختلاف سطح به خوبی گویای اشتیاق جمعیت فقیر و حتی متوسط مکزیک برای رسیدن به سطح بالاتر زندگی

۱. کنراد آدنائر (۱۹۶۷-۱۸۷۶)، صدراعظم اسبق آلمان غربی به یاد می‌آورد که در جریان سفر خود به شوروی در سال ۱۹۵۵، میزان او نیکیتا خروشچف (۱۹۷۱-۱۸۹۴، صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی) عمیقاً نگرانی خود را از جمعیت چین ابراز داشته بود. او به مهمان آلمانی خود گفته بود: «چین جمعیتی بیش از ششصد میلیون دارد و هر سال دوازده میلیون به آن اضافه می‌گردد. آن‌ها با مشتی برنج زندگی می‌کنند و مشخص نیست چه در پیش خواهد بود». به نقل از:

William E. Griffith, *The Ostpolitik of the Federal Republic of Germany*, Cambridge MA and London, MIT Press, 1978, pp.71-7

همچنین هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا در دوره ریچارد نیکسون در خاطرات خود از وحشت روس‌ها از جمعیت چین می‌نویسد. به‌زعم وی هیچ رهبر شوروی نمی‌تواند بی‌توجه به واقعیت‌های جمعیتی چین در قیاس با سرزمین‌های کم‌جمعیت روسیه در شرق دور باشد. نزدیک به یک میلیارد نفر چینی سرحدات شوروی در این منطقه را تحت فشار قرار داده‌اند

Henry Kissinger, *Years of Upheaval*, London, Weidenfeld and Nicholson and Michael Joseph, 1982, p.48.

در آمریکا است. امری که موجب شده تا بحث جمعیت مکزیک و مقابله با عواقب آن یکی از موضوعات مهم هیات حاکمه آمریکا باشد.

در اینجا قصد ورود به جزئیات مباحث فوق مربوط به سیاست های پیش گیرانه روسیه و آمریکا را نداشته و صرفاً برای نشان دادن نگرانی های مشترک کشورها از وضعیت جمعیت کشورهای همجوار خود به دو نمونه اشاره گردید. واقعیت های موجود جمعیتی و الگوهای جابه جایی جمعیت در محدوده های جغرافیایی و از جمله عبور از مرزهای سیاسی در جستجوی زندگی بهتر، فرایندهای ثابت شده ای هستند.

بنابراین با نگاهی به آمارهایی که نشان از سطح بالاتری از زندگی در کشورمان دارد و همچنین تحلیل الگوهای مهاجرتی مهاجران و انطباق آن با شرایط منطقه، به روشنی آسیب پذیری کشورمان در قبال مهاجرت بخش هایی از توده های جمعیتی که در اطراف ما انباشته شده و در هر زمان به صورت تدریجی و بعضاً در قالب دسته های بزرگ تر و بیشتر به این سوی مرز روانه شوند، قابل درک خواهد بود. این تهدید بالقوه چیزی نیست که تحقق آن دور از ذهن باشد کما این که در گذشته نیز اتفاق افتاده است. مضافاً این که شمار بسیار بالای کمی و سطح کیفی جمعیت این کشورها در دوره حال و آینده، مخاطرات احتمالی آتی را افزایش داده و چالش هایی جدی برای امنیت و ثبات جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهند کرد.

پیشگیری از تبعات سوء پویایی جمعیت در کشورهای همسایه و منطقه

قبل از هر چیز باید این اجماع در داخل کشور حاصل شود که مرزها و تقویت استحکامات مرزی اگر چه ضرورتی انکارناپذیر هستند ولی به هیچ وجه کافی نیستند. بدون پرداختن به ریشه ها و مسائل کلانی که منشاء مشکلات امنیتی می شوند، رسیدن به امنیت پایدار محقق و میسر نمی گردد. اصولاً براساس الگوی امنیت پایدار بیش از آن که به نشانه های بیماری پرداخته شود، تشخیص و درمان ریشه های بیماری در اولویت قرار می گیرد. ایجاد اجماع از طریق اطلاع رسانی صحیح بین تمام دستگاه های مسئول دولتی و نهادهای دانشگاهی و مردمی و ارتقای درک مناسب از وضعیت جاری و ترغیب آن ها به استفاده از ظرفیت های موجود کشور برای کسب آمادگی مقابله با چالش های آتی حاصل می شود.

در پرتو شناخت و درک اهمیت موضوع و حصول اجماع بین نخبگان حکومتی، دانشگاهی و نهادهای مردمی، می توان در حوزه تعامل با این کشورها، اولویت خود را در نظر گرفته و زمینه هایی را ایجاد نماییم که طرفین از آن به نحو مناسب بهره مند شوند.

به عبارت صریح‌تر الگوی معجزه ایرانی در ارتقای سطح کیفی جمعیت کشور طی دو دهه گذشته که در سال‌های اخیر سرعت بیشتری گرفته است باید به کشورهای هدف در منطقه صادر گردد. تشخیص اولویت در حوزه کشورهای همجوار موضوعی است که خود مطالعه جداگانه‌ای براساس جنبه‌های مختلف را می‌طلبد. پیشتر توضیح داده شد که طبق آمارهای اداره جمعیت سازمان ملل متحد، ایران بیشترین میزان تغییر و بهبود شاخص‌های جمعیتی را طی سال‌های اخیر داشته است. برخورداری از جمعیتی توسعه‌یافته در ایران اسلامی، در سایه ایجاد وضعیت جمعیتی رو به پیشرفت و باثبات در منطقه و حوزه پیرامونی، پایدار خواهد ماند.

بنابراین لازم است با استفاده از ظرفیت‌های دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی کشور برای صدور الگوی ایرانی در زمینه ارتقای شاخص‌های جمعیتی به کشورهای منطقه تلاش نماییم. لیکن قبل از هر چیز ضروری است که این امر به عنوان اولویت ما در روابط با این کشورها مدنظر قرار داشته و بخشی از تعاملات متقابل در مسیر همکاری‌های مشترک باشد. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای تأمین‌کننده کمک‌های رسمی توسعه‌ای^۱ به کشورهای فقیر و در حال توسعه از جمله برخی کشورهای منطقه است. جهت‌گیری بخشی از این کمک‌ها باید در جهت تأمین اهداف بهبود کیفی جمعیت کشورهای مورد بحث صرف شود. ضمن این که نهادهای مسئول در کشور که طی دو دهه گذشته در این زمینه فعال بوده‌اند، از ظرفیت و پتانسیل مناسبی برای صدور خدمات خود به کشورهای هدف برخوردارند. نگارنده تأیید می‌کند که مدیرکل صندوق جمعیت ملل متحد در چندین نوبت درخواست نموده بود که این صندوق اقدام به خرید خدمات مرتبط با مباحث جمعیتی از کشورمان برای ارائه در حوزه کشور افغانستان نماید.

ضرورت مشارکت در اجرای برنامه‌ریزی‌های کلان جمعیتی در کشورهای منطقه از طریق مشارکت مستقیم در قالب همکاری‌های دوجانبه در زمینه برنامه‌های ارتقای وضعیت خانواده و بهداشت باروری و گسترش آموزش‌های مربوطه براساس حدود شرعی و عرفی، همکاری سه‌جانبه و چندجانبه با کشورهایی که نگرانی‌ها و اهداف مشترک دارند همچون ترکیه و نیز همکاری با سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان بهداشت جهانی و صندوق جمعیت ملل متحد از جمله بسترهایی است که می‌تواند تأثیرات کمک‌های ایران را بیشتر نماید. در این زمینه همچنین می‌توان بخشی از

1. Official Development Assistance (ODA)

برنامه‌ها را در قالب سازمان‌ها و ساختارهای منطقه‌ای از جمله اکو^۱ و اسکاپ^۲ دنبال نمود.

اگرچه ارتقای کیفی جمعیت می‌تواند شامل برنامه‌ای وسیع و همه‌جانبه و با بودجه‌ای کلان باشد که تأمین مالی آن را با مشکلاتی مواجه سازد، لیکن تجربه کمک‌های بین‌المللی نشان داده است که با مبالغی اندک می‌توان به پیشبرد جهت‌گیری‌های مثبت در نحوه پیشبرد برنامه‌های جمعیتی در سطح کشورها مساعدت کلان نمود. برای مثال با نگاهی به برنامه‌های چهارساله صندوق جمعیت ملل متحد برای افغانستان در دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۰، بودجه محتوایی این برنامه تنها ۳۲ میلیون دلار و سالانه ۸ میلیون دلار می‌باشد.^۳ استفاده از بخشی از منابع مالی اختصاص داده شده از سوی کشورمان به این کشورها در قالب طرح‌های هدفمند می‌تواند منجر به ایجاد تحولات وسیع در ساختارهای جمعیتی این کشورها شود.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که براساس مطالعه مواضع این کشورها در موضوعات مربوط به جمعیت در سازمان‌های بین‌المللی، آن‌ها از گسترش کمک‌های خارجی و بین‌المللی در این زمینه استقبال نموده و تلاش بسیار می‌نمایند که میزان بیشتری از مساعدت‌ها را برای موضوعات مرتبط با ارتقای کیفی جمعیت از منابع خارجی دریافت نمایند. بنابراین به نظر می‌رسد که کشورهای هدف باتوجه به کمبودهایی که در این زمینه‌ها دارند از هرگونه همکاری جمهوری اسلامی ایران در این ارتباط استقبال نمایند. ضمن این که همکاری‌های ایران باتوجه به تجربه موفق که از آن برخوردار است و نیز امتیاز مزیت نسبی منطقه‌ای می‌تواند با نتایج مؤثرتر و کارآمدی بیشتری همراه باشد.

نگاهی به سیاست‌ها و روش‌های مورد استفاده کشورهایی که کمابیش با تهدیدهای مشابهی از سوی کشورهای دیگر و به‌ویژه کشورهای همجوار مواجه هستند، رویکردهای پیشنهادی در راستای ارتقای سطح کیفی جمعیت‌های کشورهای هدف را مورد تأکید قرار می‌دهد. شاید برای یک تحلیل‌گر ایرانی تجویز استفاده از روش‌های مرسوم در سطح بین‌المللی به‌ویژه از سوی کشورهای توسعه‌یافته قدری مشکل باشد. برای ما کاملاً روشن است که در بسیاری از حوزه‌ها، اهداف و مأموریت‌های کلان

1. Economic Cooperation Organization

2. United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific

۳. برای دریافت اطلاعات راجع به برنامه‌های چهار ساله صندوق جمعیت ملل متحد برای اجرا در کشورهای درحال توسعه به سایت این صندوق به نشانی www.unfpa.org مراجعه گردد.

جمهوری اسلامی ایران با بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای سلطه‌گر و غربی تفاوت داشته و حتی در تضاد قرار دارد. لیکن این امر به‌معنای عدم‌استفاده از برخی روش‌های مورد استفاده آن‌ها برای رسیدن به اهداف مدنظر کشور به‌ویژه در راستای تأمین امنیت پایدار به‌عنوان مهم‌ترین عنصر تداوم ثبات سیاسی در کشور و منطقه نیست.

در اینجا موضوع مهم دیگری که باید به آن پرداخته شود مواضع کلی کشورمان در موضوعات بین‌المللی مرتبط با موضوع مهاجرت از جنبه یک کشور مهاجرپذیر یا مهاجرفرست می‌باشد. این که مواضع کشور در ارتباط با کدام گروه از کشورها تدوین گردد با توجه به حضور ایرانیان در کشورهای دیگر و از سوی دیگر حضور تعداد نسبتاً بالای مهاجرین و آوارگان خارجی در کشور، همیشه مورد بحث کارشناسان و صاحب نظران مربوطه در کشور بوده است. همین وضعیت بعضاً در بیانیه‌های رسمی کشور در جلسات مختلف سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل منعکس شده است. در نتیجه ایران در هر دو گروه کشورهای مهاجرپذیر، مهاجرفرست و نیز گروه سومی تحت عنوان ترانزیت مهاجرین قرار گرفته است.

قرار داشتن ایران در هر سه گروه واقعیتی غیرقابل‌انکار است، لیکن در جایی که انتخاب امر بین مواضع هر یک از دو گروه مهاجرپذیر یا مهاجرفرست مطرح می‌شود، براساس منافع ملی کشور و مجموعه مطالبی که در این نوشته به تفصیل بدان پرداخته شد، تردیدی نخواهد بود که دفع تهدیدات نسبت به امنیت پایدار کشور مهم‌ترین اولویت کشور بوده که باید مدنظر مذاکره‌کنندگان و کارشناسان مسائل بین‌المللی قرار گیرد. اتخاذ موضع دقیق‌تر از این منظر، به معنای قرار گرفتن در عرض کشورهای عمده مهاجرپذیر نبوده بلکه راهبرد هوشمندانه‌ای است که نگاه دوراندیشانه به وضعیت پویایی جمعیت منطقه و تأثیرات آن بر کشور داشته و اهداف عالی آن را تأمین می‌نماید.

منبع

Human Development Report 2009, Overcoming Barriers: Human Mobility and Development, New York, UNDP.